

فرمانده انتظامی اصفهان از دستگیری مردی ۳۴ ساله که به دلیل اختلافات خانوادگی پدر ۵۷ساله‌اش را به قتل رسانده و متواری شده بود، در کمتر از دو ساعت خبر داد. سرهنگ حسین بساطی در این باره به سایت پلیس گفت: پس از گزارش وقوع یک فقره قتل در یکی از محله‌های شهر اصفهان، تحقیقات ماموران آغاز و معلوم شد مردی ۵۷ ساله بر اثر ضربه جسمی سنگین به سرش به قتل رسیده و قاتل نیز گریخته است. متهم که پسر فرد مقتول بود در کمتر از دو ساعت شناسایی و بازداشت شد.او اعتراف کرد به علت اختلافات خانوادگی با پدرش درگیر شده و سپس با پیک نیک ضربه‌ای به سر او وارد کرده که باعث مرگ وی شده است.

قتل پدر به دست پسر

محاكمه مردی كه همسرش را با ادعای ارتباط با مرد همسایه كشت

خیانت و جنایت

مرد جوان مدعی است همسرش را به خاطر ارتباط پنهانی با مرد همسایه کشته، البته ارتباطی که مدتی بود از حالت پنهانی خارج شده و دو خانواده را به هم ریخته بود. «چندبار از زنم خواستم به این ارتباط پایان دهد اما هربار او جوابی می‌داد که بیشتر مرا عصبانی می‌کرد. آخرین بار هم او را با میله بارفیکس کشتم و جسدش را تکه تکه کردم.»

بابک با این دفاع دوبار حکم قصاص گرفت اما هر دوبار دیوان عالی کشور آن را شکست و مرد جوان برای سومین بار از خود دفاع کرد. جنیتات این جنایت هولناک و جلسه محاکمه را روایت کرده ایم که در ادامه می‌خوانید.

به گزارش خبرنگار جام جم، بهمن سال ۱۴۰۱ با شکایت مردی در پلیس آگاهی، تحقیقات درباره ناپدید شدن دختر ۲۸ ساله او به نام الهه آغاز شد. پدر الهه که به پلیس آگاهی رفته بود، در شکایتش گفت: چند ماه است از دخترم بی خبر هستم. هر بار که سراغش راگرفته‌ام، دامادم مدعی شده الهه به ترکیه رفته است. آنها ۱۰سال قبل ازدواج کردند و فرزندى هفت‌ساله دارند. امکان ندارد الهه این مدت فرزندش را تنهاگذارد و با من هم تماس نگیرد. به همین خاطر به موضوع مشکوک شده و احتمال می‌دهم بلایی سر او آمده باشد. پس از این شکایت، شوهر الهه به پلیس آگاهی احضار شد که با تکرار ادعای پدرزنش گفت: همسرم در بیمارستان کار می‌کرد. چند ماه قبل متوجه ارتباط او با مرد همسایه به نام مهیار شدم. چند بار به او تذکر دادم و به خاطر علاقه‌ای که به همسرم دارم، او را بخشیدم اما الهه یک روز من و دخترمان را تنها گذاشت و همراه مهیار به ترکیه فرار کردند. این ادعا در حالی مطرح شد که در شاخه دیگری از تحقیقات ماموران متوجه کشف جسد زنی با مشخصات الهه در حوالی پاکدشت شدند. جسد زن جوان منله‌شده و بخشی از آن توسط حیوانات خورده شده بود. پدر الهه به پزشکی قانونی رفت و جسد دخترش را شناسایی کرد. پرونده وارد

فاز جنایی شد و شوهر مقتول به عنوان تنها مظنون پرونده تحت بازجویی قرار گرفت. او پس از سه ماه سکوتش را شکست و گفت: الهه را کشتم، جسدش را در حمام خانه تکه تکه و بعد در بیابان‌های حاشیه پاکدشت رها کردم. برای صحنه‌سازی وانمود کردم به ترکیه رفته است. با تکمیل تحقیقات پرونده به شعبه ششم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در این جلسه اولیای دی برای بابک درخواست قصاص کردند. پدر مقتول گفت: اگر دخترم مشکل اخلاقی داشت، بابک او را طلاق می‌داد. الهه مهریه‌اش را هم بخشیده بود. این مرد به جای طلاق دخترم، او را بی‌رحمانه کشت و ما را بازی داد. دخترم همیشه از رفیق بازی و بزم‌های مشروب‌خوری شوهرش گلابه داشت. حاضر به بخشش او نیستم و باید قصاص شود.

سپس نوبت به دفاع بابک رسید که با قبول اتهامش گفت: من عاشق الهه بودم اما او با مرد همسایه ارتباط داشت و به من خیانت کرد. همان موقع ما چرا را به پدر و مادر الهه گفتم و با وساطت آنها همسرم را بخشیدم. یک روز که به خانه آمدم، متوجه شدم زن مهیار هم متوجه این ارتباط شده و با میله بارفیکس شیشه و در خانه‌مان را شکسته است. میله بارفیکس را برداشتم و وارد خانه شدم. از الهه خواستم به این ارتباط پایان دهد اما او بی‌اعتنایی کرد. من هم با همان میله به سرش زدم و او را کشتم، جسدش را حوالی بیابان‌های پاکدشت رها کردم. چند شب به محل رها کردن جسد رفتم و به آن سر زدم تا این‌که آخرین بار متوجه شدم اثری از جنازه نیست و دیگر نرفتم، در ادامه مهیار هم به صورت غیرعقلی

چهار نفر از ساکنان یکی از روستاهای شهرستان جغتای در غرب استان خراسان رضوی بر اثر حمله و گزش شغال زخمی شدند. به گزارش ایرنا از منابع محلی، این افراد در چند روز اخیر در روستای محمدآباد گفت از توابع بخش هلالی جغتای به دلیل گزیدگی توسط شغال و آسیب دیدگی به شبکه بهداشت و درمان شهرستان مراجعه کرده و تحت مراقبت و درمان قرار گرفتند. این فرد روستایی گفت: چون احتمال ابتلای حیوان مهاجم به هاری می‌رفت، آسیب دیدگان و اکسن هاری دریافت کردند اکنون حال عمومی آنان رضایت‌بخش است. شغال‌ها در چند شب متوالی وارد روستاهای این بخش شده و نه تنها به اهالی، که به دام‌ها نیز حمله کرده و به آنها آسیب زده بودند.

زخمی شدن ۴ نفر با حمله شغال

محاکمه شد و قضات در پایان، بابک را به قصاص و مهیار را به ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند. حکم قصاص بابک در دیوان عالی کشور مهر تأیید نخورد و برای رسیدگی دوباره به دادگاه بازگشت. در این جلسه اولیای دم باز هم درخواست قصاص کردند. بابک هم با تکرار ادعاهای قبلی اش گفت: یک بار به بیمارستان رفتم اما الهه سرکارش نبود و با دو ساعت تاخیر به آنجا آمد. همان موقع موضوع را به پدرزنم گفتم و او در جواب گفت تو بی غیرت هستی. الهه مهدوالدم بود و باید کشته می‌شد. بابک این بار هم به قصاص محکوم شد اما دوباره قضات دیوان عالی کشور آن را تأیید نکردند و پرونده به شعبه هم عرض ارسال شد. بابک برای سومین بار پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه که در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد، اولیای دم خواستار قصاص داماد خود شدند. پدر مقتول در این جلسه گفت: بابک، دخترم را مجبور کرده بود که سر کار برود. او به الهه اعتنا نمی‌کرد و چند بار به او گفتم با این رفتار همسرت را از دست می‌دهی. او حق کشتن دخترم را نداشت و برای او قصاص می‌خواهم.

رئیس دادگاه سپس از بابک خواست از خود دفاع کند. مرد جوان دوباره بحث ارتباط همسرش با مرد همسایه را پیش کشید و گفت: چند بار با الهه حرف زده بودم تا رفتارش را تغییر دهد اما گوشش بدهکار نبود. من فوت‌بالیست هستم و به خاطر پارگی رباط صلیبی خانه‌نشین شده بودم. روز حادثه من را بیدار کرد تا دنبال کار بروم. خودش هم به بیمارستان رفت. زود به خانه برگشتم و متوجه صدای الهه شدم که از خانه مهیار به گوش می‌رسید. منتظر شدم تا به خانه بیاید. وقتی اعتراض کردم، گفت این موضوع به من ارتباطی ندارد. همان زمان زن مهیار با میله بارفیکس که در خانه‌مان حمله کرد، درحال بحث با الهه بودم که گوشی تلفن همراهش زنگ خورد. او بدون اطلاع من یک گوشی خریده بود تا با مهیار ارتباط داشته باشد. برایم تعریف کرد با مرد همسایه در پارکینگ خانه قرار می‌گذار. یک دفعه به سمتم حمله کرد که هلس دادم و روی زمین افتاد. بعد هم با میله بارفیکس به سرش ضربه زدم. وکیل بابک هم مدعی شد موکش با تصور مهدوالدمی همسرش، او را کشته است.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

نظمیه

بازداشت شد اما مدعی شد در گم شدن شوهرش نقشی ندارد و همسایه‌ها از روی حسادت این دروغ‌ها راگفتند. تحقیقات از او ادامه داشت تا این‌که این زن سکوت خود را شکست و گفت: مدتی بود بر سرمسائل مختلف خانوادگی با شوهرم در خانه دعوا و درگیری داشتم و مرا تنگ می‌زد. با شدت گرفتن این درگیری‌ها، تصمیم گرفتم هر طور شده او را به قتل برسانم. کینه زیادی از او به دل داشتم. آن شب داروی بیهوشی در غذایش ریختم که بیهوش شد اما ساعتی بعد به هوش آمد که با وی درگیر شدم و با برداشتن گلدان به سرش زدم که فوت شد. جسدش را در یکی از اتاق‌ها گذاشتم. روز بعد بچه‌ها را به خانه یکی از اقوام بردم، در حیاط خانه جسد را با ساطور تکه تکه کردم، روی آن بنزین ریختم و به آتش کشیدم. وقتی جسد سوخت بقایای آن را در ناپولن‌هایی ریخته و از خانه بیرون بردم و راهی شهر آمل شدم و در مکان متروکه‌ای رها کردم.

سرهنگ حسین کیان‌مهر، فرمانده انتظامی شهرستان محمودآباد با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف این زن مأموران به محل رها کردن بقایای جسد سوخته رفتند و در آنجا تعدادی استخوان و مجموعه این مرد را یافتند.



قتل هولناک شوهر

زن جوان در جریان اختلاف خانوادگی با شوهرش او را به قتل رساند و بعد از مثله‌کردن، جسدش را به آتش کشید. به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل مرداد امسال زنی جوان با حضور در پلیس آگاهی شهرستان محمودآباد در استان مازندران شکایت کرد که شوهر ۴ساله‌اش گم شده است. او در اظهاراتش گفت: من و شوهرم چند سال است ازدواج کرده ایم و دو فرزند خردسال داریم. در خانه روستایی در محمودآباد زندگی می‌کنیم. او چند روز قبل از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. با خانواده‌اش دنبال او بودیم اما ردی پیدا نکردیم.

در جریان تحقیقات معلوم شد او اختلاف کاری، مالی یا خانوادگی با کسی نداشته است. باگذشت چند ماه از این ماجرا، مأموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که همسر مرد گمشده دیگر به دنبال یافتن او نیست و رفتارش عجیب است. همین موضوع باعث شک آنها شد و به تحقیق از همسایه‌های این زن در روستا پرداختند که مشخص شد این زوج مدتی بود اختلاف و درگیری داشتند و این زن هرازگاهی به حیاط خانه می‌آید، به اطراف نگاه و ساعت‌ها گریه می‌کند. او با هماهنگی قضایی دو روز پیش

عدلیه

بخشی قاتل زن صیغه‌ای بعد از ۱۰ سال



که خفه شد. یک شبانه‌روز کنار جسدش بودم و بعد آن را پتو پیچ کرده و بعد از انتقال به بیابان در آنجا دفن کردم. متهم حکم قصاص گرفت و حکمش در دیوان عالی کشور تأیید و برای اجرا به اجرای احکام دادگستری استان سیستان‌وبلوچستان ارسال شد. در این سال‌ها او یک مرتبه پای چوبه دار رفت که نتوانست مهلت بگیرد. این در حالی است که مرد زندانی قرار بود چند روز پیش دوباره پای چوبه دار برود که باتلاش واحد صلح و سازش رضایت خانواده مقتول جلب شد و آنها گفتند به شرط دریافت دیه از مرد زندانی او را می‌بخشند، وی این شرط را قبول کرد که دیه بپردازد. خانواده مقتول هم اعلام کردند چون دخترشان به کودکان نیازمند کمک می‌کرده حالا تصمیم گرفته‌اند بعد از دریافت دیه برای شادی روح دخترشان با بخشی از آن برای کودکان کار لباس گرم و کاپشن بخرند.

مردی که ۱۰ سال قبل همسر صیغه‌ای خود را به قتل رسانده بود، پیش از این‌که برای مرتبه دوم پای چوبه دار برود، نتوانست رضایت خانواده مقتول را جلب کند و بخشیده شود. به گزارش خبزنگار جام جم، زنی اوایل اردیبهشت سال ۹۳ به پلیس آگاهی یکی از شهرستان‌های استان سیستان‌وبلوچستان رفت و اطلاع داد که خواهر جوانش ناپدید شده است. با این شکایت تحقیقات برای یافتن ردی از سرنوشت زن گمشده ادامه یافت تا این‌که مأموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد او مدتی با مردی به نام محسن ازدواج موقت کرده بود. مأموران احتمالی می‌دادند که این مرد شاید در ماجرای گمشدن این زن نقش داشته باشد که تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بعد از چند روز شناسایی و بازداشت شد. متهم در جریان تحقیقات اعتراف کرد که این زن را به قتل رسانده و جسدش را در بیابان دفن کرده است که مأموران به محل دفن جسد رفتند و پیکر او را یافتند. با اعتراف مرد جوان به این قتل، او روانه زندان شد. مدتی قبل متهم در دادگاه محاکمه شد. خانواده مقتول برای او درخواست قصاص کردند. متهم به قتل در جلسه محاکمه در دفاع از خود گفت: همسر و فرزند داشتم اما با زنی هم آشنا شده و به هم علاقه مند شدیم. بی‌آن‌که همسرم بداند آن زن را صیغه کردم و به خانه‌اش در رفت‌وآمد بودم. بعد از یک‌سال زمان صیغه‌مان تمام شد و دیگر نمی‌خواستم به زنم خیانت کنم اما او از این رفتارم ناراحت شده بود و با من دعوا و درگیری داشت. تهدیدم کرد که اگر هایش کنم عکس‌هایی که با هم داشته‌ایم را پخش می‌کند و آبرویم را می‌برد. آن روز در خانه‌اش با هم دعوا کردیم. ناخواسته دستمان را مقابل دهانش گرفتم تا ساکت شود

اخاذی میلیاردری به بهانه پرداخت وام

یک زن و سه مرد مسلح به بهانه پرداخت وام به مرد مغازه‌دار او را به گروگان گرفته و بعد از اخاذی و تهدید به قتل رهایش کردند.

به گزارش خبرنگار جام جم، دو روز پیش مردی با حضور در شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از اعضای یک باند تبهکاری شکایت کرد و گفت: مغازه‌ای در یکی از محله‌های تهران دارم. دنبال وام بودم تا این‌که از طریق سایت دیوار با شرکتی آشنا شدم که با سند خانه و در مدت دو هفته‌ای وام میلیاردی می‌پرداختند.

جام جم

حوادث

INCIDENT

چهارشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۳ شماره ۶۹۴۷

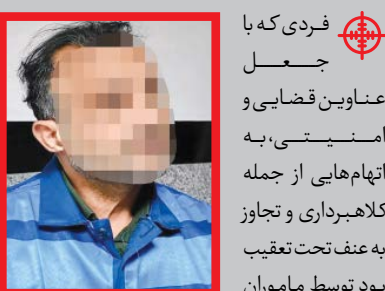
کوتاه‌از حوادث

آزادی متهمان شادآباد با وثیقه



هیات ۱۳ نفره کارشناسان دیروز بعداز سه ساعت و نیم جلسه با بازپرس جنایی در دادسرا نظرات خود را درباره آتش سوزی مرگبار بازار آهن شادآباد تشریح کردند. به گزارش جام جم، بعداز ظهر بیست و یکم مهر امسال، در اثر انفجار و آتش سوزی در بازار آهن شادآباد تهران ۱۲۰ مغازه، ده‌ها خودرو و موتورسیکلت در آتش سوخت و چهار نفر هم فوت کردند. همچنین باعث مصدومیت شش نفر نیز شد. موسی رضازاده، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران در این باره به جام‌جم گفت: هیات کارشناسی ۱۳ نفره شامل کارشناسان آتش‌نشانی، رسمی دادگستری، حوادث کارو شیمی، با دستور قضایی چند مرحله اقدام به بازدید از محل حادثه کردند. دیروز هم از ساعت ۱۰ و ۱۰ صبح تا ۱۴ بعداز ظهر کارشناسان مربوطه در سالن کنفرانس دادسرای جنایی تهران حاضر شدند و نتیجه بازدیدهای میدانی خود را اعلام کردند. برای فرزانکار و صاحبکارش هم قرار قانونی صادر شد و با قید وثیقه آزاد هستند.

بازداشت مرد هزار چهره در ساری



فردی که با جعل عناوین قضایی و امنیتی، به اتهام‌هایی از جمله کلاهبرداری و تجاوز به عنف تحت تعقیب بود توسط ماموران

حفاظات و اطلاعات دادگستری مازندران دستگیر شد. عباس پوریانی، رئیس کل دادگستری مازندران در این باره به خبرگزاری صداوسیما گفت: غاصب عناوین قضایی و امنیتی، به اتهام‌هایی از جمله کلاهبرداری و تجاوز به عنف، توسط ماموران حفاظت و اطلاعات دادگستری مازندران در ساری دستگیر و با صدور قرار مناسب به زندان معرفی شد. او با غصب عنوان قاضی، وکیل و مامور امنیتی و انتظامی، ضمن تأسیس دفتر کار در شهرستان ساری، نسبت به کلاهبرداری از مزاجعان اقدام کرده است. وی افزود: بعداز دستگیری فرد مذکور و تحقیقات صورت گرفته مشخص شد، متهم اعمال مجرمانه متعدد دیگری از جمله جعل و استفاده از سند مجعول، ادعای نفوذ نزد مقامات قضایی، انتظامی و امنیتی، سوء استفاده از موقعیت اشخاص و حمل سلاح گرم را نیز در ابعاد و شئونات مختلف هم مرتکب شده است.

مرگ با شلیک شکارچی

یکی از شکارچیان غیر مجاز آملی فردی را با شلیک اشتباهی به قتل رساند. سرهنگ مجید باقری جامخانه، فرمانده انتظامی آمل در این باره به مهر گفت: در پی کسب خبری مبنی بر وقوع قتل در منطقه دابودشت توسط یک شکارچی غیرمجاز، موضوع در دستور کار ماموران انتظامی قرار گرفت. در جریان تحقیقات معلوم شد یک شکارچی غیر مجاز هنگام استفاده از اسلحه به صورت ناخواسته و غیر عمد یکی از اطرافیان خود را مورد اصابت گلوله قرار داده است. فرد مجروح به سرعت توسط شکارچی و دیگران به بیمارستان منتقل شد، اما بر اثر شدت جراحات وارده در بیمارستان فوت شد. قاتل بازداشت شد.

قاتلان فراری دستگیر شدند

فرمانده انتظامی مرودشت از شناسایی و دستگیری قاتل و همدستش خبر داد که مردی ۲۶ ساله را به قتل رسانده بودند. سرهنگ علیرضا نوشاد، در این باره به سایت پلیس گفت: آخرین روز شهریور امسال یک فقره قتل با سلاح گرم در یکی از محله‌های شهرستان مرودشت به پلیس گزارش شد. معلوم شد دو برادر ۲۵ و ۲۶ ساله به علت اختلافات شخصی با مقتول، اقدام به کشتن او کرده‌اند و قاتل اصلی در تهران سکونت دارد. ماموران پلیس آگاهی پس از گرفتن نیابت قضایی به تهران اعزام و با همکاری کارکنان انتظامی شهرستان رباط کریم قاتل را در مخفیگاهش دستگیر کردند. همدست قاتل که برادرش بود نیز در مرودشت بازداشت شد.